

پایا همینگوی

خاطرات شخصی

ای. ای. هاچنر

ترجمه: فرزانه دستجردی کابلی



سرشناسه: هاجنر، ای. ای. - ۱۹۶۱ - ۱۸۹۹
عنوان و نام پدیدآور: خاطرات پاپا همینگوی / ای. ای. هاجنر
مترجم: فرزانه دستجردی کاظمی
مشخصات نشر: تهران / ایجاز / ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۳۷۶ ص.
شابک: ۲- ۰۳- ۸۹۶۴- ۶۰۰- ۹۷۸
موضوع: نویسندگان آمریکایی - قرن ۲۰م - سرگذشتنامه
موضوع: روزنامه‌نگاران - ایالات متحده - سرگذشتنامه
عنوان اصلی: Papa Hemingway: a personal memoir
رده بندی کنگره: ۵۸۵ ی ۹ م / PS ۳۵۴۳
رده بندی دیویی: ۵۲ / ۸۱۳
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۶۹۹۲۵

پاپا همینگوی: خاطرات شخصی

ای. ای. هاچنر

مترجم: فرزانه دستجری کاظمی

دبیر مجموعه: یوسف انصاری

ویراستار: کامران برادران

چاپ اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۳۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۶۴۰-۱

صند ن پستم سر: ۱۳۱۴۵-۹۷۳

تلفن: ۰۹۱۲۹۲۴ ۲۳۹ ۶۹۱۵ ۷۵

تلفکس: ۶۶۰ ۱۵۲۴۴

آدرس: میدان انقلاب، 'ب' کا، 'ب' پسر

کوچه مهدی زاده، پلاک ۴ و ۱۰ ر

ejazzbooks@gmail.com

[instagram:ejazzbooks](https://www.instagram.com/ejazzbooks)

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست

۱۱.....	مقدمه.....
۱۳.....	بخش اول.....
۱۵.....	۱. هاوانا ۱۹۴۸.....
۴۴.....	۲. نیویورک ۱۹۴۹.....
۵۳.....	۳. پاریس ۱۹۵۰.....
۸۹.....	۴. هاوانا ۱۹۵۳ - ۱۹۵۱.....
۱۰۱.....	بخش دوم.....
۱۰۳.....	۵. ونیز ۱۹۵۱.....
۱۲۰.....	۶. ریوریا ۱۹۵۴.....
۱۶۰.....	۷. مادرید ۱۹۵۴.....
۱۷۷.....	۸. هاوانا ۱۹۵۵ - ۱۹۵۴.....
۱۸۹.....	۹. کی وست ۱۹۵۵.....
۲۰۳.....	بخش سوم.....
۲۰۵.....	۱۰. زاراگوزا ۱۹۵۶.....
۲۲۹.....	۱۱. کچام ۱۹۵۸.....
۲۴۸.....	۱۲. اسپانیا ۱۹۵۹.....
۲۷۹.....	بخش چهارم.....
۲۸۱.....	۱۳. هاوانا ۱۹۶۰.....
۳۱۵.....	۱۴. روچستر ۱۹۶۰.....
۳۳۷.....	۱۵. کچام ۱۹۶۱.....
۳۶۳.....	تصاویر.....

مقدمه

در دوم جولای ۱۸۶۱ نویسنده‌ای که بیشتر کارشناسان و منتقدان، او را بزرگ‌ترین نویسنده‌ی قرن می‌خوانند، می‌گوید که به زندگی و ماجراجویی و هیجان آن شوق و رغبت بسیار داشت، همان‌طور که نوعان وافر و بسیار بود، برنده‌ی جایزه نوبل و جایزه‌ی پولیتزر، قهرمان جویای نام با خانه‌ای در کوه‌های ساوتوِث آیداهو، جایی که زمستان‌ها به شکار می‌رفت، با آپارتمانی در نی‌یورک، با قایقی که زمانی مسلح بود و زمانی در آب‌های خلیج ماهی می‌گرفت، آپارتمانی در دسترس در ریتز پاریس و گریتی ونیز، با ازدواج و پیوندی محکم، بدون هیچ بیماری، سخت جسمانی، با دوستان و رفقای خوب در هر جا - بله، در آن روز جایی که مرد که مایه‌ی حسادت و رقابت دیگر مردان بود، لوله‌ی تفنگ را بر سرش گذاشته و ماشه را کشید.

چطور این اتفاق افتاد؟

چرا؟

من به مدت چهارده سال رفیق و دوست او بودم، تا درست روزی که مُرد. من از زندگی‌اش خبر داشتم: ماجراجویی‌ها، گفت‌وگوها، رویاها و بیداری از خواب و خیال‌ها، پیروزی‌ها و شکست‌های این مرد پیچیده، بی‌نظیر، شوخ‌طبع، قوی و عاشق لذت را

می‌دانستم اما نمی‌توانم بگویم چرا این‌گونه شد. هیچ‌کسی نمی‌تواند بگوید. اما برای آن‌که از زندگی‌اش بگویم، ناگزیرم ابتدا از مرگش بگویم و اتفاقاتی که پیش از آن رخ داد. خیلی به آن‌ها فکر کردم و روزها و شب‌ها در اندیشه بودم، خواه آن‌که اصلاً بشود در آن نفوذ کرد یا بخش‌هایی از آن سرکوب شده، تعمیم یافته یا تغییر شکل داده باشد. اما در نهایت فقط به حرف ارنست رسیدم، آن روزها که از خودم می‌پرسیدم آیا ارنست باید این‌قدر درباره‌ی اسکات فیتزجرالد، صریح و بی‌پرده باشد؛ ارنست می‌گفت: «زندگی همه‌ی آدم‌ها یک‌جور است. تنها جزئیاتِ چگونگی زندگی و رنگ یک آدم است که آن را از دیگری متمایز می‌کند.» او می‌گفت برایش فقط یک شیوه‌ی روایت وجود دارد؛ این‌که تمام حقیقت را بگوید و هیچ چیز را حذف نکند؛ به خواننده بگوید همه‌چیز چطور اتفاق افتاد، خوشی و اندوه و پریش را آن‌طور که هستند بازگو کند، حتی این‌که هوا چطور بوده و به هر روی خواننده به کمک آن حادثه و اتفاق راه خواهد یافت. این همان چیزی است که من تمام تلاشم را برای به انجام رساندنش کرده‌ام، تا چیزی را درباره‌ی ارنست جا نگذارم، این صحیح‌ترین و نزدیک‌ترین پاسخی است که می‌توانم به سؤال «چرا» بدهم.

ژم، ۱۹۶۵/ای. ای. هاجنر